

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه بیست و ششم

محاسبه راه اخلاص از حق الناس

موضوع حق الناس یک موضوعی است که منبعث از درک عقل است نه این که صرفا اسلامی یا شیعی باشد. کافی است انسان قدری وجدان و عقل داشته باشد تا بتواند این موضوع و جایگاه و اهمیت آن را درک کند. و از پدیده هایی است که اگر رعایت شود، در همین دنیا آثار محمود و مطلوبش را بر جای خواهد گذاشت. با این که این موضوع مورد درک عقل و عقلا است اما اسلام آمد و چهارت تصرف در موضوع کرد اول این که حقوق را بسطش داد و دوم این که صاحبان حق را گسترش داد و سوم این که ردیف شرعی این قضیه را برد بالا و اعلام کرد که نزدیکترین مردم روز قیامت به پیامبر کسانی هستند که مراعات حق الناس را می کنند. به مردم خدمت می کنند و حق کسی را ضایع نمی کنند. و چهارم: طرح محاسبه دقیق در برابر رعایت یا عدم رعایت آن... و در جلسات قبل به این نکته رسیدیم که خدای متعال بعد از حساب، و بعد از این که دقیق به حسابها رسیدگی کرد عفو و کرم و بخشش خود را سرازیر می کند. و به عبارتی ریزش عفو بعد از محاسبه است.

مجری: ما در جایی از قرآن داریم که : فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا و یا در جایی دیگر: وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا درحالی که در دعاها داریم که الهی عاملنا بفضلک ولا تعاملنا بعدلک؛ سوال این است که این دو را چگونه با هم جمع کنیم؟

جواب: ببینید ما در دعا، نمی گوئیم الهی حاسبنا بفضلک بلکه می گوئیم الهی عاملنا بفضلک شاید حاسبنا بفضلک اصلا اجابت نشود. اگر می گفتیم حاسبنا بفضلک به این معنی بود که در حساب و کتاب هم سهل بگیر و مسامحه کن اما ما می گوئیم بعد از محاسبه در تعامل با ما به فضل خودت رفتار کن.... نه با عدلت؛ چون میدانید اگر خداوند بخواهد با عدل خودش رفتار کند هیچ انسانی به بهشت نمی رود. و جالب این است که هر چه انسان به خدا نزدیکتر باشد، به خداوند مدیون تر است و اگر خداوند بخواهد با عدل خود با ایشان برخورد کند هیچ کس بهشتی نخواهد شد. دوم مدیون امام علی علیه السلام است؛ چرا؟ چون هر چه انسان به خدا نزدیکتر باشد بیشتر فیض میبرد و هر چه بیشتر فیض ببرد، بیشتر مدیون می شود.

در کلاسی که دانشجویان مختلفی هستند یک دانشجو هست که استاد را رها نمی کند. اما دانشجویی هم هست که کاری به استاد ندارد. جریان رابطه و جایگاه بندگان نزد خدای متعال هم همین است. هر چه انسان به خدای متعال نزدیکتر باشد فیض می برد، عبادت می کند و جایگاه برتری دارد و مدیون تر هم می شود امام حسین روز عاشورا و عصر عاشورا به خدا مدیون تر است تا امام حسین صبح روز عاشورا... امام سجاد می فرماید: متی نستحق شیئا.. لا متی.. کی ما مستحق چیزی می شویم؟ ما باید شکر کنیم که توفیق داده عبادت کنیم و از این بابت شکر کنیم و شکر کنیم که توفیق شکر داده و لذا تسلسل به همین شکل پیش می آید. و الا عبادت خودش، مزد است؛ مزد که ندارد... خود قرب، مزد است و بگوئیم به خاطر این قرب به ما مزد بده؟!

این آیه را داریم که فسوف يحساب حساب يسيرا این آیه با آن آیاتی که دال بر حساب دقیق دارد ، چگونه قابل جمع است؟ من این را هم بگوییم که طبق روایات برخی بدون حساب وارد بهشت می شوند؛ تفسیری از این حساب یسیر شده که منافاتی با دقت ندارد... و روایاتی داریم که سنجه انسان ها در روز قیامت، عقل انسان ها است و هر انسانی که از عقل بیشتر برخوردار باشد ، سنجه او هم بالاتر است. و محاسبه او هم سخت تر است ؛ و بر عکس ، هر انسانی که از عقل کمتری برخوردار بود حساب او هم آسان تر است. از این جهت ممکن است که حساب یسیر را این گونه معنا کنیم و بگوییم که منافاتی با حساب دقیق ندارد. دانش آموزی هست که همه هم م میدانند که او درس خوان است اگر به او گفته شود که شما لازم نیست که امتحان بدهی و شما قبولی کسی اعتراضی نخواهد داشت. نباید اصلی را که داشتیم زخمی کنیم و آن اصل مذاقه و محاسبه و جالب هم این است که وقتی راجع به کسانی که حساب یسیر دارند حضرت می خواهند اشاره کنند، حضرت به سه گروه اشاره می کنند که هر سه به موضوع اخلاق اجتماعی هم مربوط است..

روزی عده ای از صحابه در محضر پیامبر بودند و از درس های سودمند اخلاقی آن حضرت بهره می بردند. رسول خدا فرمود: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ حَاسِبُهُ اللَّهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ قَالُوا وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ تُعْطَى مِنْ حَرَمِكَ وَ تَصِلُ مِنْ قِطْعِكَ وَ تُعْفُو عَنْ ظَلَمِكَ هر کس دارای سه صفت باشد خداوند در روز قیامت هم حسابرسی او را آسان می گیرد و هم او را وارد بهشت نموده و از رحمت واسعه خود بهرمند می سازد. اصحاب گفتند: یا رسول الله این سه صفت چیست که اینگونه نتیجه عالی دارد؟! پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

به کسی که چیزی به تو نداده بخشش کنی.

با خویشاوندانی که با تو قطع ارتباط کرده اند ارتباط برقرار کنی.

از کسی که به شما بدی کرده است بگذری.

البته رعایت موارد فوق سخت هم نیست؛ فقط ممکن است که برای اولین بار این کار و عمل به این فرمایش سخت باشد اما به مرور این کار حالت دیگر پیدا می کند به گونه ای که اگر انسان به آن عمل نکند، برایش دشوار خواهد بود.

مجری: من از شما که آشنا به تراث هستید می خواهم که یک راه خلاصی از این حق الناس را به ما معرفی کنید. ما الان که دستمان کوتاه نشده چه کار کنیم که بتوانیم خودمان را از حق الناس خلاص کنیم و الان که فرصت داریم، بتوانیم جبران کنیم ...

جواب: اگر کسی گرفتار شد بسیاری این سوال را مطرح می کنند که چه باید کرد؟ باید دید آیا راه برون رفتی وجود دارد باید دید اگر این راه هست، چیست... من به طور کلی به شما عرض کنم که در دین هیچ بن بستی وجود ندارد؛ و اصولاً هیچ کس حق ناامید شدن ندارد و می دانید که خود ناامید شدن از گناهان کبیره است. همچنان که نباید امید بی جا هم بست که یک خطر است و یک آسیب است.

شخصی است به نام حُمَید بن قحطبه می گوید یک روز هارون دنبال من فرستاد و من هم سراغ او رفتم دیدم در خلوتی نشسته و شمع برای او روشن است او به من گفت حمید تا کجا با ما هستی؟ من هم گفتم تا جانم من با شما هستم؛ و ادامه داد که باز دنبال من فرستادند که تا کجا با ما هستی؟ من هم گفتم تا جانم و مالم و ناموسم

و باز ادامه داد و گفت مجدد برای بار سوم هارون به دنبال من فرستاد و گفت تا کجا با من هستی؟ گفتم با جانم و مالم و ناموسم و دینم ... می گوید وقتی گفتم که دینم او هم خندید و باز گفت آیا تا دینت هم با ما هستی؟ گفت: خوب! می گوید تا این حرف را زدم به من گفت این با این غلام برو و هر جا رفت تو هم برو و هر کار گفت تو هم انجام بده...

می گوید این غلام در یک زندان را باز کرد و به من گفت این ها را که حدود بیست نفر بودند، گردن بزن!! می گوید همه را گردن زدم تا بیست نفر بعد و باز بیست نفر بعد و تا رسید به یک پیر مرد که گفت از مادر فاطمه زهرا خجالت نمی کشی؟ می گوید یک لحظه به خودم آمدم اما این را هم گردن زدم ..

این آدم با این که می دید این همه جنایت را مرتکب شده، نه نماز می خواند و نه روزه می گرفت تا این که کسی از او سوال کرد که چرا روزه نمی گیری؟ گفت من قصه دارم و این ها را بیان کرد...

امام علیه السلام وقتی این قضیه را شنیدند فرمودند این گناه ناامیدی او از این جریان قتل و کشتار او بالاتر و بدتر است. البته همه چیز حساب و کتاب خود را دارد و اگر خون ناحق و دم محترمی ریخته شود خدای متعال از آن نخواهد گذشت....

به هر حال چون بحث، بحث حق الناس است و حق مالی است فرد باید که پردازد، و اگر کسی طلبی داشت و فوت کرد این حق را زمین نمی رود و وارث او طلبکار می شوند... و اگر باز کسی هم نبود فقیه، جانشین طلبکار میشود و دیون باید که به او پرداخته شود. و اگر باز هم دسترسی نداشت رد مظالم تنها راه باقیمانده ای خواهد بود که کسی بتواند حق الناس را بپردازد

راه دوم استغفار است؛ راه سوم استعطاء است امام سجاد علیه السلام در دعای روز دوشنبه می فرمایند: در دعا هست که ... و آن ترضیه عنی بما شئت ... که خدایا از خودت آن قدر ببخش که او راضی شود.

چهارم: اهدا بود و این که از جانب خودش صدقه ای بدهد تا او راضی شود پس شد: استحلال، استغفار، استعطاء و بعد هم در نهایت اهداء

برخی هستند که کل قرآن ماه مبارک رمضان را اختصاص می دهند به کسانی که حق بر گردن آن ها دارند و یا صدقه می دهند و یا نماز برای آن ها می خوانند و یا روزه می گیرند و ...

البته نکته ای که هست این که باید که طلب حلالیت هم کارشناسانه باشد و الا ممکن است مفسده به بار بیاورد و مشکلات دیگری را هم سبب شود.